

استاد ایرج افشار در تازه‌ها و پاره‌های ایرانشناسی در شماره ۳ - ۷۲ مجله بخارا ص ۱۳۸ مطلبی راجع به یکی از قنات‌های سامان چهارمحال معروف به «لق دُبه» از کتاب تاریخ اصفهان ملک المورخین کاشانی نقل کرده‌اند که دلالت بر اعتقاد مردمان این منطقه به نر بودن آب این قنات دارد. مطابق اعتقاد اهالی سامان برای جلوگیری از کم شدن آب قنات باید زنی به نام او عقد شود و آن زن در زمستان و تابستان لااقل ماهی یکبار برهنه در آب آن فرو رود تا آب قنات همیشه جاری باشد. یادداشت حاضر در حقیقت تکمله‌ایست بر نوشته ایشان.

سامان در شمال غربی منطقه چهارمحال، در دامنه کوه شیراز واقع شده است. و از مناطق باستانی و آبادان چهارمحال است. نخستین بار در منابع مکتوب در معجم‌البلدان یاقوت از آن نام برده شده، پس از آن در منابع بی‌شمار از این منطقه یاد شده است اما بیشترین اطلاعات مربوط به عهد قاجار است. از این دیار شعرا و ادبای بسیاری برخاسته‌اند. میرزا عبدالوهاب قطره، عمان سامانی و دهقان سامانی از آن جمله‌اند. عدد این علما و ادبا آنچنان است که میرزا یحیی دولت‌آبادی درباره موقعیت ممتاز آن می‌نویسد: «خیمه آبی که در شیراز فرو رفته از سامان سر برآورده است.»<sup>۱</sup>

اعتقاد به نر و ماده بودن آبها و قنات‌ها شاید یادگاری باشد از اعتقادات ایرانیان در دوران

۱. معجم‌البلدان، یاقوت حموی، منشورات المکتبه الاسدی، تهران، ۱۹۶۵، ج ۳، ص ۱۳.  
۲. حیات یحیی، یحیی دولت‌آبادی، انتشارات عطار و فردوسی، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۲.

ستایش آنهایتا که اکنون در بسیاری از نقاط ایران از مناطق چهارمحال و بختیاری و اصفهان گرفته تا اراک و دامغان و شاهرود رواج دارد. که در آن اعتقاد قدیم به زنده بودن و انسان‌نما بودن آب نهفته است.<sup>۱</sup> درباره قنات کناره بر در تفرش آورده‌اند، در گذشته‌های دور که آب قنات کاهش یافته بود بیهوشی را برای او صیغه کردند تا آب قنات افزایش یافت. در منطقه دیگری در مشرق شهرکرد به نام شهرک (شهر کیان) دو رودخانه وجود داشته موسوم به مادی کهنه و جوی شهرک، براساس اعتقاد مردمان این ناحیه جوی شهرک ماده بوده و مادی کهنه نر، اهالی معتقد بودند اگر هر از گاهی زنی در آب مادی کهنه شنا نکند رودخانه قربانی می‌گیرد و باعث غرق شدن شخصی خواهد شد. این اعتقادات در گوشه و کنار دیگر مناطق چهارمحال نیز رواج دارد.<sup>۲</sup>

قنات لاق دُبه یا لُق دُبه در ساما نیز در روزگاران کهن دچار کم‌آبی می‌شود اهالی زنی را به نام او عقد می‌کنند و برای آنها جشنی برپا می‌کنند و زن را با ساز و دهل تا مظهر قنات همراهی می‌کنند تا در آب قنات شنا کند و بدین وسیله باعث افزایش آب آن می‌شوند. از این رسم در منابع محلی نیز یاد شده است.<sup>۳</sup> اکنون این رسم و اعتقاد به گونه‌ای افسانه‌وار در اذهان و افواه مردمان این ناحیه باقی مانده است و کهنسالان در روایاتشان گه‌گاه از آن یاد می‌کنند.

\*\*\*

افسانه شنیدنی دیگری در منطقه سامان رواج دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست. سامان چنانکه آمد در دامنه کوهی به نام شیراز واقع شده است. دهقان سامانی در این باره می‌گوید:

سامان که بود به زیر کوه شیراز داده است به مرغ روح سعدی پرواز  
آن مرغ شده به قالب دهقان باز گوید غزل و همی برآرد آواز

ظاهراً همین افسانه علت اصلی وجه تسمیه این کوه است. در گذشته‌های دور چوپانی از ایل قشقایی<sup>۴</sup> مشغول چرای گله خویش در زمان بیلاق در اطراف کوه شیراز بوده پس از چرا گله را برای سیراب کردن به سرچشمه می‌برده است بعد از چند روز متوجه می‌شود بز نر پیشرو گله (دُبر) از چشمه آب نمی‌خورد چون درصدد کشف علت برمی‌آید درمی‌یابد دُبر هنگام چرا از شکاف سنگی آب می‌خورد چوپان نی هفت‌بندی داشته است برای سنجیدن عمق آب آن را به داخل آب فرو می‌برد، نی از دستش رها شده و ناپدید می‌شود. در هنگام قشلاق چوپان همان نی را در بازار شیراز می‌یابد و از آن پس مردم این ناحیه معتقد می‌شوند که آب این چشمه با چشمه‌های شیراز مرتبط است.

۱. آب‌های مقدس ایران؛ جمشید صداقت‌کیش، شرکت آب و فاضلاب شیراز، ۱۳۷۹، ص ۴۳.

۲. آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی؛ امان‌الله قرشی، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰.

۳. نک: شناخت سرزمین چهارمحال، کریم نیکزاد امیرحسینی، چاپخانه نشاط، ج ۲، ص ۵۴۶.

۴. مردمان سامان ترک‌زبانند و برخی آنان را از مهاجران ایل قشقایی می‌دانند.